



چند قدم تارفع تحریم‌های ایران

صفحه ۲



تکرار ادعای نگرانی مدیر کل آژانس درباره برنامه هسته‌ای ایران

صفحه ۳

مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

چهارشنبه ۷ مهر ۱۴۰۰ - ۲۳ صفر ۱۴۴۳ - ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱ - سال بیستم - شماره ۵۵۴۲ - ۱۲ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

در حالی که تورم در شهریور ماه رکورد زده، رئیسی تورم را خط قرمز دولت دانست

عبور زود هنگام دولت از خط قرمز اقتصادی!

صفحه ۲



۲۰ درصد سوپرمارکت‌های تهران در آستانه تعطیلی

سفره‌های مردم دیگر کوچک نیست حقیر است!

صفحه ۵

سر مقاله



احمد مازنی*

بزرگداشت هشت سال دفاع مقدس، تاکید بر حقانیت مقاومت مدافعان در مقابل متجاوزان است. متجاوزانی که تردیدی در تجاوز آن‌ها به مرزهای ایران اسلامی وجود ندارد اما این روزها که با انواع شبهه در مورد انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مواجهیم. دروغ‌های شالختاری در مورد قصور و تقصیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی در آغاز جنگ و تیره صدام خون آشام در رسانه‌ها مطرح می‌شود که مایه تأسف است. بر نسل جوان و افراد کم اطلاع حرجی نیست اما شگفتی این جا است که جمعی از سیاستمداران و مدعیان آگاهی در دام این دروغ‌های شاخ دار گرفتار شدند و به خودشان زحمت تحقیق نمی‌دهند.

اسناد و مدارک غیر قابل انکار حاکی از این است که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با بلند پروازی و محاسبه غلط صدام، تنوری بردازی میشل عفلق، طراحی دولت آمریکا و انگلیس و همکاری شاهپور بختیار آغاز شد. دولت‌های شوروی، چین، فرانسه و چند کشور حاشیه خلیج فارس هر کدام در سطحی از طراحی، تشویق، حمایت نظامی و سیاسی در کنار صدام حسین

تحریف حقایق جنگ، ظلم مضاعف

بودند. حتی کودتای نوزه با طراحی سازمان سیا و برنامه ریزی مشترک دولت عراق و بختیار طراحی شده بود. سناریوی پیام صدام از طریق سید محمود دغانی به امام و بی اعتنایی امام نیز یکی از دروغ‌های شاخ دار است که آدم را یاد داستان حسن و حسین هر سه دختران مغایبه هستند می‌اندازد! خداوند عمر طولانی به آقای دغانی بدهد. ای کاش مدعیان این دروغ شاخ دار به توضیحات مکرر این سید بزرگوار توجه می‌کردند. هنوز هم دیر نشده. پیشنهاد می‌کنم در ایام گرامیداشت هفته دفاع مقدس با جستجوی ساده از مشروح بیانات آقای دغانی آگاه شوند. واقعیت این است که جناب آقای دغانی پیام دولت بعث عراق را به مقامات ایرانی منتقل کرد، پیام دولت عراق این بود «سعدون حمادی وزیر امور خارجه عراق گفت: پیامی از طرفر رئیس دارم (صدام) گفت رهبری انقلاب فردی را که مورد تأیید ایشان است انتخاب کند تا با هم مذاکره کنیم...» آقای دغانی می‌گوید« پیام وزیر امور خارجه عراق را به وزارت امور خارجه و اعضاء شورای انقلاب دادم. پیشنهاد خود من آقای رفسنجانی بود. از آگاهی و هوشمندی ممتازی برخوردار بود و مورد اعتماد امام بود.»

امام خدعه(ره) هوشمندانه ترین پاسخ را به پیام صدام حسین می‌دهد. در ادامه آقای دغانی

می‌گوید: «امام فرمودند باید تاامل کنند. روز بعد ایشان گفتند من صدام را می‌شناسم. اینها صداقت ندارند اما مصلحت هم نمی‌دانم پاسخ منفی بدهم چون ممکن است تنش ایجاد کند. بگوئید در آینده‌ای نزدیک انتخابات نمایندگان مجلس و انتخابات ریاست جمهوری داریم و مردم برای اولین بار نمایندگان واقعی و رسمی خود را برای دستگاه اجرایی و دستگاه قانون گذاری انتخاب می‌کنند. من ترجیح می‌دهم رئیس جمهور منتخب ملت این تصمیم را بگیرد و ایشان نماینده بفرستد. پاسخ بسیار هوشمندانه و دیپلماتیک بود.» علاقمندان می‌توانند توضیحات سید محمود دغانی و نیز سایر منابع مستند در باره این پیام و پاسخ امام خمینی(ره) و نیز اسناد گرایش‌های جناحی داشته باشد و هنگامی که موضوع جنگ علیه ایران را در کتاب« نقد تحریف مدرن امام خمینی(جنگ عراق و ایران) اثر منتعبانه سید عطالله مهاجرانی و منابع بسیار دیگر ملاحظه کنند و از شاگردان مکتب امام (ره) انتظار می‌رود نگذارند تا اهلان و نامحرمان با سناریو سازی در مورد آغاز جنگ تحمیلی ظلم مضاعفی را به امام، رزمندگان و ایثارگران دفاع مقدس تحمیل کنند. چرا که تحمیل این ستم از تحمیل اصل جنگ کمتر نیست.

* نماینده سابق مردم تهران

خبر

دستگاه قضایی عراق: اعداد در انتظار علاقه‌مندان به روابط با اسرائیل است

کسی که طرفدار عادی‌سازی با «اسرائیل» باشد و از آن استقبال کند، حکمش اعدام خواهد بود و همین ماده به خودی خود برای مجرم شناخته شدن شرکت کنندگان در نشست اربیل کفایت می‌کند. شورای عالی قضایی عراق طبق ماده ۲۰۱ قانون مجازات در حق شش تن از شخصیت‌های عراقی از جمله یک زن در استان الانبار به دلیل همکاری با رژیم صهیونیستی ایفا کردند، حکم بازداشت صادر کرد.

برای سلامتی عزت‌الله مهر آوران دعا کنید

مهرآوران در عرصه هنر شناخته شده هستند. کادر درمان هم تلاششان را می‌کنند تا داروهای مورد نیاز به این هنرمند برسد و بهبود پیدا کنند. اما محتاج دسعای هم‌میهنان هستم تا آقای مهرآوران از این مرحله عبور کنند.

حسینی‌پور روز روز گذشته نیز به ایسنا گفته بود که عزت‌الله مهرآوران با وجود دریافت دو دوز واکسن کرونا در موسسه هنرمندان پیشکوت به کرونا مبتلا شده است.

یادداشت



موبد حسینی صدر*

به مجلس یازدهم پیشنهاد می‌کنم که حتما از دو ظرفیت کشور که به آن اشاره می‌کنم استفاده کنند: یک اینکه حتما از ظرفیت مدیران و نمایندگان قبلی تحت عنوان کمیسیون‌ها و شوراهای مشورتی استفاده کنند. بسیاری از طرح‌هایی که در مجلس مطرح می‌شوند، از همان اول برای کسانی که سابقه پارلمانی دارند، مشخص است که بی‌نتیجه و تنها یک شعار بوده و هیچ اقدامی برای آن نخواهد شد. اما اگر همین طرح‌ها و ایده‌ها قبل از مطرح شدن در صحن علنی و مطرح شدن آن از زبان نماینده، در شورایی مشورتی که متشکل از نمایندگان ادوار مجلس و مدیران سابق کشور است، مطرح شود، تصمیمات مجلس پخته‌تر می‌شود. در مورد طرح‌های کلانی چون ایجاد مناطق آزاد، ایجاد ۱۰ منطقه نظارتی، وزرای منطقه‌ای؛ یا به طور مثال طرح‌هایی که درخصوص مسکن، اخذ مالیات‌های جدید و روابط بین‌المللی کشورمان ارائه می‌شود، به نظر می‌آید بهتر است که مجلس این شیوه را انتخاب بکند. مدیریت مجلس یک بانک اطلاعاتی از متخصصان خیره کشور فارغ از گرایش‌های جناحی داشته باشد و هنگامی که موضوع مهمی برای تصمیم‌گیری مطرح می‌شود، آن موضوع به اعضای کمیسیون مشورتی مذکور ارجاع داده شود.

منظور من این است که عمدتاً فعالان اقتصادی و صنعتی و سیاسی باشند که در رأس تصمیم‌گیری نیستند و خارج از عرصه مدیریت به عنوان استاد دانشگاه یا فعال اقتصادی یا صنعتی مشغول به کار هستند، نظر آنها، اخذ شود. حدود ۱۵ الی ۲۰ روز به آنها فرصت داده بشود تا طرحی را که مطرح شده مطالعه کنند و جواب آن را سنجیده و ایده بدهند که قطعا خیلی قوی‌تر از مرکز پژوهش‌های مجلس می‌توانند ارائه‌های بدهند.

اگر ارزیابی واقعیت‌پنهان و منطقی از طرح ایجاد مناطق ده گانه و تعیین وزیر برای آنها داشته باشیم، باید گفت که شاید عدم توسعه متوازن استان‌ها و اختلاف نظرهای محلی و کشمکش‌هایی که بین استان‌ها وجود دارد و از طرفی غفلت از ظرفیت استان‌ها، باعث شده که طراحان این ساختار جدید حکومتی را بصورت طرح ارائه دهند.

نکته‌ای که همه به آن ادغان دارند، این است که ساختار فعلی مدیریت اجرایی کشور دارای نقص‌های فراوانی بوده و با وجود آنکه کشور ما در طول چهل سال گذشته از هر لحاظ، رشد و توسعه پیدا کرده و تغییرات بسیار زیادی از لحاظ کیمت و کیفیت در کشور ایجاد شده و جمعیت کشور تقریبا دو و نیم برابر شده و همینطور قدرت تولید اقتصادی، ظرفیت و راه‌ها و همه ارکان توسعه کمی و کیفی کشور تحول پیدا کرده است، اما ساختار مدیریتی کشور، همان ساختار قدیمی است. اینکه این طرح به دنبال راه‌حلی است که ساختار فعلی را تقویت بکند، طرح ارزشمندی به حساب می‌آید. اما طرح بسیار خام و غیرکارشناسی بوده و به هیچ‌وجه مشکلاتی را از کشور رفع نخواهد کرد و امکان عملی شدن آن وجود ندارد. به فرض، پیش‌بینی نشده که وزیر منطقه‌ای اگر

یادداشت

یک پیشنهاد مهم به آقایان نماینده

تعیین و تصویب بشود و این ساختار ایجاد بشود، نقش این وزیر چه خواهد بود؟ چه اختیاراتی دارد؟ در چه مواقعی دخالت می‌کند؟ آیا قدرت استانداران را پایین می‌آورد یا ارتقا می‌دهد؟ در برنامه‌های توسعه رویکرد

مجلس، بر این است که قدرت استانداران را افزایش بدهد تا جایی که هر استاندار همچون رئیس‌جمهور همان استان اختیاراتی را داشته باشد. درخصوص خیلی از مسائل مانند سرمایه‌گذاری‌ها، تعطیلات، ساعات اداری و اختیارات دیگری که به استانداران تفویض شده است. بنابراین این طرح در مغایرت با برنامه‌های توسعه است و قابل اجرا نبوده و طرح بسیار خامی است و نیاز به کارشناسی و کار سنجیده و مطالعه شده دارد. در واقع می‌توان گفت که مسیر بعکس دنیا را در پیش گرفته. زمانی هر کدام از مراکز استان‌ها، به اندازه شهرهایی که امروزه در استان‌ها است، توان و قدرت اقتصادی و مسائل اجرایی داشتند. هم از لحاظ تعداد پروژه‌ها و هم از لحاظ مبادلات اقتصادی، آمد و شد، مسائل سیاسی و فرهنگی. امروزه هر شهری به اندازه یک استان دارای اهمیت است. در دنیا به دنبال افزایش تعداد استان‌ها هستند و سعی می‌کنند که از انگیزه افراد بومی برای سرمایه‌گذاری در محل تولد خودشان استفاده کنند. به نظر می‌آید اگر بر فرض ما طرح‌های جایگزینی داشته‌یم که دو نوع مدیریت در سطح خارج از مرکز در نظر می‌گیرفیم، یکی استانداری‌ها و دیگری قطب‌های دولتی، شاید شرایط بهتر می‌شد. فرض کنید تعداد استان‌های ما به سه برابر مثل ترکیه که ۸۵ استان دارد، افزایش پیدا می‌کرد. ما تعداد استان‌هایمان را مثلا به ۸۰ الی ۹۰ استان ارتقا می‌دادیم و تمامی فرمانداری‌های ویژه به استان ارتقا پیدا می‌کردند. در مقابل برای اینکه تمرکز می‌داشته باشیم، ده ایالت هم انتخاب می‌کردیم که کار این استانداری‌های کوچک در آنجا سیاست‌گذاری و خطوط کلی آنجا ارائه شود. به طور مثال نشست‌های ماهانه‌ای برای هماهنگی بیشتر و گزارش عملکرد انجام شود. این کار شاید معقول‌تر بود.

اسا در حال حاضر که تعداد قابل قبولی استان وجود دارد، به نظر نمی‌رسد که این طرح مشکلی از مردم حل کند. اگر پیشنهاد خود را به عبارت‌های ساده‌تری بگوییم، پیشنهاد من این است که در مقابل تعداد ۳۲ استانداری، به ۸۰ الی ۹۰ استانداری ارتقا پیدا بکند و در مقابل آن ایالت‌هایی را ایجاد بکنند که ساختار دولت را داشته باشند و در منطقه‌ای که مرکز جغرافیایی آن ایالت است، رئیس ایالت مستقر شده و استانداران ماهانه جلسهای داشته باشند و در این جلسه هر استان گزارش عملکرد خود را ارائه دهند. در آن شرایط هر ایالت حدود هشت الی نه استان خواهد بود و هر استان ظرفیت‌ها، گزارش کار، مشکلات، برنامه‌های آتی و برنامه‌های توسعه‌ای خود را گزارش داده و تبادل نظر انجام شود. ریاست ایالت، رابط بین استان‌های خود در سطح کشور با دولت مرکزی باشد. یعنی کارها به نوعی تقسیم بندی شوند و البته رئیس ایالت هم توسط هیئت دولت انتخاب خواهد شد. در این صورت اجرای این طرح امکان‌پذیر خواهد بود. اما در حال حاضر، به نظر می‌رسد که طرح فعلی بازی با وقت بوده و ثمری نداشته باشد. مخصوصا که برخی از مدیرانی که در سطح ملی

انتخاب شده‌اند، به نظر می‌رسد که تسلط و تجربه کافی را ندارند و احتمال می‌رود که هفت- هشت ماه آینده، ناموفق ظاهر شوند و تغییر پیدا کنند. اینکه دوباره بخواهیم یک سیستم مدیریتی جدید ایجاد بکنیم، به نظر غیر کارشناسانه می‌آید. هنوز وزارتخانه‌هایی که حدود ۱۰ سال پیش تفکیک شدند، هنوز شکل خود را ندارند. وزارتخانه‌های بازرگانی و صنایع که ادغام شده‌اند، هر لحظه این صحبت وجود دارد که تفکیک بشوند. اینکه ما دوباره بخواهیم یک شکل جدیدی از دولت را در کشور پیاده کنیم، کشور ما آفتی وجود دارد که وقتی مرکزی شکل می‌گیرد، بعد از تثبیت، خلاقیت خود را از دست مد نظر من بیشتر مرکز پژوهش‌های مجلس است که به عنوان بازوی مشورتی مجلس، شکل گرفته ولی همین مرکز آن ظرفیت را در سال‌های اخیر در کشور ایجاد نکرده است که همه متخصصان کشور بتوانند پیشنهاد بدهند و ایده‌های خود را مطرح کنند و در تصمیم‌سازی‌ها مشارکت نمایند. در واقع اتاق‌های بحث و گفت‌وگو در آنجا وجود ندارد و اگر در مرکز پژوهش‌ها به عنوان بازوی فکری مجلس تمام طرح‌هایی را که ارائه می‌شود، ارزیابی نمایند و نظر ندهد و متخصصان حوزه‌های مختلف را به صورت غیر جناحی و غیر تعصبی و خارج از روابط بر اساس شوابط و شایستگی‌های آنان دعوت کند و نظرات آنها را دریافت نماید. نتیجه کار بهتر خواهد بود.

به عبارت دیگر مدیریت مرکز از حالت بسته به حالت باز تغییر کند و از طریق سیاست مرکز، تمام طرح‌ها به نقد و بررسی گذاشته شود و نظرات افراد خبره داخل و خارج از کشور اخذ شود، به نظر من تصمیات بهتر خواهد شد. من مطمئن هستم که اگر در دانشگاه‌ها بگویید مرکز پژوهش‌های مجلس وجود دارد، ۹۰ درصد استاید ممکن است که بی‌اطلاع باشند. در حالی که اگر مرکز به یک مجموعه ناآوار و پویا تبدیل شود، می‌تواند نظرات دانشگاهیان و فعالان صنعتی و اقتصادی را اخذ بکند و به صاحب نظران ایمیل یا پیامک ارسال و یا تلفن زده شود و نظرات آن‌ها اخذ شود و مرکز به جایی برای پردازش ایده‌ها و افسکار و جمع‌آوری انتقادها تبدیل شود و از همه نخبگان استفاده شود و در تصمیم‌گیری نمایندگان به آن‌ها کمک کند. من فکر می‌کنم که اگر همین طرح را به مرکز پژوهش‌های مجلس ارائه می‌کردند، مرکز از ایده‌های تمام صاحب‌نظران بهره می‌گرفت، چه بسا این طرح در نهایت به یک ایده سازنده و یک قانون مؤثر تبدیل می‌شد. اما در حال حاضر نه قابلیت تصویب دارد نه قابلیت اجرا.

البته صحبت من به زمان حال مرکز پژوهش‌ها محدود نمی‌شود. منظور من روال مرکز در طول سال‌های گذشته بوده و شاید ۱۰-۱۲ سال است که همین شیوه عمل را دارد و کمتر توانسته از ظرفیت پژوهشی و فکری و علمی دانشگاهیان و متخصصان و افراد اهل فکر، صنعتگران و بازرگانان استفاده بکند.

*نماینده پیشین مجلس منبع:خبر آنلابن

پایگاه خبری مردم سالاری آنلاین
www.mardomsalari.ir
روزنامه مردم سالاری
WWW.mardomsalari.ir/newspaper

